

درحالی‌که طسرح اصلاح موادبی از قانون نحسوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی که به نام طرحد اصلاح مهریه نیز شناخته می‌شود از ابتدای امر بسیار چالش برانگیز شده و در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی موافقان و مخالفان زیادی پیدا کرده، بار دیگر در روز چهارشنبه‌سوم دی ماه در صحن علنی مجلس در دستور کار نمایندگان قرار گرفت تا به طور مشخص روند از ماده ۵ و ماده ۶ مورد بحث قرار گیرد. در همین راستا، جلیل محبی، مدیر دفتر حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی بندهای ۵ و ۶، مخالفت نمایندگان با حذف حق حبس و به‌طور کلی اصلاح قانون مهریه پرداخت.

این موضوع بر سر و صد اساساً چیست؟

این طرح و در واقع مصوبه کمیسیون قضایی مجلس، درباره محکومیت‌های مالی صحبت می‌کند و به تبع آن وارد موضوع مهریه و موارد مشابه می‌شود. در ابتدا اصولاً تغییر قانون مدنی در عنوان آن مطرح نبود و عنوان، «محکومیت‌های مالی» بود. چون برخی احساس می‌کردند در زنان‌ها افرادی وجود دارند که به دلیل محکومیت‌های مالی، به‌ناحق زندانی شده‌اند، به همین دلیل این موارد پیشنهاد شد تا اصلاحاتی صورت بگیرد. اکنون هم چالش همچنان وجود دارد و همه در حال گفت‌وگو و ارزیابی هستند. بنده هم نه نظر شخصی خود را می‌گویم و نه نظر مرکز را. فقط توصیف می‌کنم که در این عرصه چه می‌گذرد، چون احساس می‌کنم نگاه دقیقی نسبت به مسئله وجود ندارد. بنابراین می‌خواهیم ابتدا طرح مسئله را درست انجام بدهیم.

چه ضرورتی وجود داشت که طراحان به سمت اصلاح قانون مهریه رفتند؟

موضوع بسیار وسیع‌تر از خود مهریه است. دفعه اولی که این طرح به کمیسیون قضایی آمد، عدد ۱۴ که در گزارش کمیسیون مطرح شد و گفته شد که ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه تبدیل شود. اما در صحن علنی، نمایندگان گفتند که عدد ۱۱۰ مربوط به قانون حمایت از خانواده است و اگر قرار است تغییری صورت بگیرد، باید در همان قانون باشد، نه در قانون محکومیت‌های مالی. به همین دلیل طرح به کمیسیون برگشت و کمیسیون قضایی این عدد را حذف کرد؛ یعنی در گزارش جدید کمیسیون، درباره ۱۴ یا ۱۱۰ سکه نظری داده نشد. اما وقتی طرح به صحن آمد، نمایندگان می‌توانند پیشنهاد ثبت کنند. یکی از پیشنهادهای ثبت شده همین ۱۴ سکه بود که پیشنهاد می‌کرد ماده مربوط به ۱۱۰ سکه در قانون حمایت از خانواده به ۱۴ سکه تغییر کند.

در صحن علنی این پیشنهاد مطرح شد و رأی آورد، اما بین تبصره‌ها تعارضی ایجاد شد که باعث شد دوباره به کمیسیون برگردد تا این تعارض برطرف شود. وقتی دوباره به صحن بیاید، این ماده باید مجدداً بررسی شود. بنابراین، این پیشنهاد از طرف کمیسیون نبود، بلکه یک نماینده آن را در سامانه و در زمان قانونی ثبت کرده بود و طبق قانون باید در صحن علنی بررسی می‌شد. موافق و مخالف صحبت کردند و رأی گیری انجام شد و رأی آورد. فکر می‌کنم ۱۴ یا ۱۳۳ رأی بود. این عدد، رأی بالایی محسوب نمی‌شود. برای رسمیت جلسه، باید حدود دوسوم نمایندگان حضور داشته باشند و از حاضران، نصف به‌علاوه یک رأی بدهند. ممکن است مثلاً از رأی، حدود ۲۰ نفرشان خانم بوده باشند و بقیه آقایانی در مجموع، حدود ۱۰ تا ۱۲۰ نماینده مردم هم به این طرح رأی نداده‌اند. یعنی مجلس در حال بررسی عقلایی است و اصلاً برخورد جنسیتی با قضیه نمی‌کند. همین‌که ۱۴ رأی آورد، نشان می‌دهد عده‌ای مخالف بوده‌اند و عده‌ای موافق. رأی گیری انجام شده و اگر قرار بود جنسیتی رأی داده شود، باید مثلاً ۱۰۰ نماینده زن مخالف می‌دادند و ۲۳۰ یا ۲۴۰ نفر از حاضران که عمدتاً آقا هستند، رأی موافق می‌دادند؛ درحالی‌که چنین چیزی اتفاق نیفتاده است. به نظر من، صحن علنی مجلس اصلاً به‌صورت جنسیتی به این موضوع رأی نداده است.

مواد چالش برانگیز این طرح دقیقاً کدام است؟

آن بخشی که شما به خاطرش من را دعوت کردید تا درباره‌اش صحبت کنیم، طبیعتاً فقط مربوط به مهریه است؛ چون این حکم درباره دیه هم وجود دارد. یعنی اگر فردی مرتکب جرم می‌شود که باید دیه پرداخت کند و پول پرداخت آن را نداشته باشد، باز هم به حبس می‌رود. حالا در این طرح آمده که چنین فردی به زندان نرود و به جای آن، رابعایت شرایطی که در قانون آمده، بایند الکترونیکی پایش در نظر گرفته شود. اما شما من را برای دوسوم نمایندگان حضور داده‌ید و عورت کرده‌اید جامعه هم وقتی صحبت می‌کند، درباره دیه حرف نمی‌زند. اساساً بحث ضمانت اجرای تعهدات مالی و غیر مالی است، به‌ویژه ضمان قهری. فرض کنید دست من به لیوان شما می‌خورد و لیوان می‌شکند. من بدهکار می‌شوم و باید پول لیوان شما را بدهم. این الزاماً جرم نیست؛ اگر عمدی نباشد، جرم محسوب نمی‌شود، اما در هر صورت من ضامن هستم و باید خسارت را جبران کنم. اما من تعهد مالی می‌شوم و مسیر وصول آن از طریق دادگستری و قوه قضائیه است. شما شکایت می‌کنید، من محکوم می‌شوم و پرونده به اجرای احکام می‌رود. اجرای احکام از طریق که در آیین دادرسی پیش‌بینی شده پول را از من می‌گیرد و به شما می‌دهد. قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۹۱ گفت اگر مهریه بیش از ۱۱۰ سکه باشد، نسبت به مازاد آن حبس اعمال نمی‌شود. این به این معنا بود که اگر مهریه ۱۱۱ سکه باشد، سکه صدویازدهم قابل مطالبه نیست. این یک سوءبرداشت رایج در جامعه است. مهریه ثبت می‌شود؛ یعنی شما می‌توانید حتی هزار سکه در عقدنامه بنویسید و از نظر شرعی و حقوقی، مرد بدهکار همه آن هاست؛ اما ضمانت اجرای حبس فقط تا ۱۱۰ سکه اعمال می‌شود. برای مطالبه مازاد بر ۱۱۰ سکه، زن نمی‌تواند درخواست حبس بدهد، اما می‌تواند از سایر راه‌های قانونی استفاده کند. مثلاً زن ثابت می‌کند که مرد مالی دارد؛ حساب بانکی، ملک، زمین یا خودرو. حساب توقیف می‌شود، ملک یا زمین توقیف و فروخته می‌شود و پول از محل آن، مهریه پرداخت می‌گردد. حتی اگر مرد ۱۱۰ سکه را داده باشد، برای سکه صدویازدهم هم می‌توان از اموال او استفاده کرد؛ به شرطی که آن مال جزء مستثنیات دین نباشد. بنابراین مهریه قابل وصول است، فقط ابزار حبس برای مازاد ۱۱۰ سکه حذف شده است.

جلیل محبی، حقوق دان در «مجلهٔ تصویری فرهیختگان» تشریح کرد

مناقشهٔ مهریه راه‌حل سوم دارد

مستثنیات دین هم مربوط به محل سکونت و ابزار کار شخص است؛ مثلاً خودرو. اگر کسی خودروی بسیار گران‌قیمتی داشته باشد، الزاماً این خودرو «ابزار کار» تلقی نمی‌شود. عرف این موضوع را مشخص می‌کند و رویه قضایی و قانون هم معمولاً خودروی گران‌قیمت را جز مستثنیات دین محسوب نمی‌کنند. البته در نهایت، تشخیص مصداق با قاضی است. یعنی باز هم دست قاضی برای تشخیص باز است و ممکن است تشخیص بدهد که این خودرو مشمول مستثنیات دین می‌شود یا نه. در قانونی که الان حاکم است و هنوز تغییری نکرده، این‌طور نیست که شما نتوانید سکه صدویازدهم را بگیرید. این حق شرعی زن است و «الحق القدیم لا یبطله شیء» چه قبل از سال ۱۳۹۱ باشد و چه بعد از آن.

مدافعان این طرح می‌گویند عدد ۱۱۰ سکه که در سال ۱۳۹۱ تعیین شده، متناسب با تورم تعدیل نشده است. در مقابل، مدافعان استدلال می‌کنند که قیمت سکه حتی بیش از نرخ تورم افزایش پیدا کرده است؛ یعنی ارزش ۱۱۰ سکه امروز خیلی بیشتر از اثری است که تورم ربایی بر معیشت مردم گذاشته است؛ چرا؟ چون قیمت انس جهانی طلا بالا رفته، کشورهایی مثل چین و روسیه در حال خرید طلا هستند و همین عرضه و تقاضای جهانی باعث شده قیمت سکه نسبت به سایر اقلام رشد بیشتری داشته باشد. فرض کنید در سال ۱۳۹۱ یا ۱۱۰ سکه می‌شد یک خانه خرید؛ اما امروز با ۱۱۰ سکه می‌توان دو واحد ۵ متری خرید. پس می‌گویند این عدد به‌صورت عادلانه افزایش پیدا نکرده و به همین دلیل باید تعدیل شود.

استدلال مهم دیگر این است که قانون گذار در سال ۱۳۹۱ میان «ضمان قهری» و «ضمان قراردادی» تفکیک قائل شده است. آنجایی که پولی رد و بدل نشده؛ مثل مهریه، دیه یا خسارتی که اثر در تصادف یا شکستن مال دیگری به وجود می‌آید، اصل بر این است که مدیون مالی ندارد و باید خلافتش ثابت شود. اما آنجایی که پول رد و بدل شده، مثلاً شما موبایلی را ۱۰ تومان خریده‌اید و پول پرداخت شده، اصل بر این است که آن پول هنوز نزد در یافت‌کننده وجود دارد و او باید ثابت کند که آن پول از بین رفته یا تلف شده است. پس در مهریه، بار اثبات بر عهده زن است. یعنی اصل بر نداشتن مرد است، نه اصل بر دار بودن او. به عبارت دیگر اینجا اصل، «عدم تمکن مالی» است، نه بی‌نگاهی. اما در عمل، رویه قضایی آنچنان به این تفکیک اهمیت ندهاده است. یعنی معمولاً این‌طور نبوده که دادگاه‌ها بگویند ابتدا زن باید ثابت کند مرد تمکن مالی دارد. در عمل، بسیاری از پرونده‌های مهریه بدون توجه جدی به این منطق حقوقی رسیدگی شده‌اند و همین موضوع هم یکی از ریشه‌های اختلاف و چالش فعلی است.

در مورد سایر دیون مالی هم وضعیت همین‌طور بوده است. درباره سایر مواردی که ضمان قهری وجود دارد (مثل دیه) هم این‌گونه نبوده که همیشه رویکرد عقلانی اعمال می‌شد. ما زندانیانی داریم که گاهی بیش از نیمی از زندان بدنی شان، هزینه زندان پریشان صرف شده است. مثلاً فردی ۵۰ میلیون تومان بدهکار بوده، اما چند ماه یا چند سال در زندان نگه‌داشته شده‌ود در این مدت، شاید ۵۰ میلیون تومان هزینه نگهداری‌اش شده است. اگر همان پول صرف پرداخت بدهی می‌شد، هم خسارت کمتری وارد می‌شد و هم مسئله حل می‌شد. بنابراین رویه قضایی در این زمینه همیشه توجه کافی نداشته. نکته مهم‌تر این است که در مواردی که مهریه بقسط بندی می‌شود، چه قسط اول که مثلاً ۵، ۳ یا ۱۰ سکه است و چه اقساط ماهانه، اگر فرد نتواند اقساط را بپردازد، به حبس می‌رود. در این موارد، اعزاز او عملاً پذیرفته نمی‌شود. چرا؟ چون مبالغ به‌ظاهر کم است. مثلاً کارگری که باید هر ماه معادل بخشی از یک سکه پرداخت کند، اما درآمدش در حد ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان است و شاید یک سال یا یک سال و نیم طول بکشد تا بتواند یک سکه کامل پرداخت کند، وقتی می‌گوید «من الان ۱۰ میلیون تومان ندارم»، معمولاً پذیرفته نمی‌شود و می‌گویند ۱۰ میلیون که چیزی نیست؛ پس داری دروغ می‌گویی» و نتیجه‌اش زندان است. الان ما افرادی داریم که صرفاً به دلیل ناتوانی در پرداخت اقساط مهریه به زندان هستند. بعضی از این‌ها واقعاً ناتوانی‌شان اثبات نشده و برخی دیگر اساساً امکان اثبات هم پریشان فراهم نبوده است.

آمار زندانیان مهریه چه تعداد است؟

حدود ۳ هزار نفر زندانی مهریه داریم. البته محکومان مالی غیر مهریه‌ای هم داریم که حکمشان از این حیث تفاوتی ندارد. ما الان داریم «قانون محکومیت‌های مالی» را بررسی می‌کنیم، به‌صرفاً مهریه فقط چون مهریه مسئله‌ای اجتماعی حساس است، شما درباره آن سؤال می‌کنید؛ وگرنه در مورد دیه هم وضعیت مشابهی وجود دارد. از نظر شرعی و حقوقی، هیچ تفاوتی ندارد که کسی بابت شکستن یک لیوان بدهکار شده باشد، بابت دیه محکوم شده باشد یا بابت مهریه؛ در همه این موارد، شخص «مدیون» است و حکم واحدی دارد. اما اینجا در باره قانون حمایت از خانواده صحبت نمی‌کنیم؛ بحث ما اصلاح مواد قانون محکومیت‌های مالی است. هر چند بعداً بحث تغییر قانون مدنی هم به آن اضافه شد، اصل موضوع همان محکومیت‌های مالی بود. استدلال اول موافقان طرح این است که ارزش ۱۱۰ سکه امروز، همان ارزش ۱۱۰ سکه سال ۱۳۹۱ نیست. یعنی‌ها می‌گویند ارزش واقعی آن ۴۴۰ سکه شده، بعضی می‌گویند حتی به هزار سکه هم می‌رسد؛ بستگی دارد معیار را چه بگیرید، دلار، قدرت خرید یا حقوق و دستمزد. مخالفان این دیدگاه (چه مخالفان ۱۴ سکه و چه مخالفان کاهش ۱۱۰ سکه) می‌گویند اگر قبول دارید که ارزش ۱۱۰ سکه چهار برابر شده، پس چرا باید عدد را یک چهارم کنید؟ ۱۴ سکه از کجا آمده؟ آیا به خاطر عدد مقدس ۱۴ معصوم است؟ چرا محاسبه دقیق انجام نمی‌دهید؟ در جریان کارشناسی، اعداد

مختلف مطرح شده بود: ۲۵، ۴۰، ۵۰ یا حتی ۶۰ سکه. این دیدگاه‌ها در رسانه‌ها و محافل کارشناسی مطرح بود، اما در صحن علنی ثبت و بررسی نشد. نکته مهم این است هر پیشنهادی که در سامانه مجلس در زمان قانونی ثبت شود، حق نماینده است و هیئت‌رئیس یا رئیس مجلس نمی‌توانند مانع طرح آن شوند. فقط می‌توانند از نماینده بخواهند که از پیشنهادش صرف‌نظر کند؛ اما اگر نماینده نپذیرد، پیشنهاد حتماً باید رد صحن مطرح شود. در مورد عدد ۱۴ نیز همین مسیر طی شد. اینکه پشت‌پرده‌رایزنی‌ای بوده یا نه، من اطلاع‌ی ندارم و نه در صحن بوده‌ام و نه در رسانه‌ها چه چیزی شنیده‌ام. آن نماینده حق داشته پیشنهادش را مطرح کند، موافق و مخالف صحبت کرده‌اند و رأی گیری انجام شده و رأی هم آورده است. اما مخالفان کاهش ۱۱۰ سکه یک استدلال بسیار جدی و دندان‌شکن دارند. روزی که زن و مرد در کمال عقل، بلوغ و اختیار عقدنامه را امضا کردند، عدد ۱۱۰ سکه را پذیرفتند. این موضوع هیچ ربطی به تورم، گرانی سکه یا شرایط اقتصادی امروز ندارد. این حق شرعی است و شما نمی‌توانید حق شرعی امضاشده را از کسی بگیرید. از نظر فقهی، این استدلال کاملاً درست و قابل دفاع است. همه چیز گران شده است. این پسر بسختی افتاده دختر هم قرار است بعد از طلاق تنها زندگی کند. حق است که پولی بگیرد تا بتواند خانه‌ای بخرد، اجاره کند یا حداقل زندگی‌اش را اداره کند. شما نمی‌توانید او را از این حق محروم کنید. من در شبکه‌های اجتماعی نگاه می‌کردم؛ خانها هم موافق کرده‌و آقایان موافق کرده‌و دیگران؛ اما مجلس به‌صورت جنسیتی رأی نداده است. من از این موضوع خوشحالم. اگر مجلس مشت نمونه خروار جامعه باشد، یعنی همین‌طور نبوده که بگوییم چون مثلاً ۱۰ یا ۱۲ نماینده زن داریم و بقیه مردند، پس باید ۱۰ درصد رأی از زنان و ۹۰ درصد از مردان باشند. درحالی‌که رأی تقریباً ۵۰-۵۰ بوده و این نشان می‌دهد مجلس در این زمینه فکر کرده و آگاهانه رأی داده است. درحالی‌که اگر وارد جامعه و شبکه‌های اجتماعی شوید، می‌بینید زن و مرد عملاً در برابر هم قرار گرفته‌اند. طبق آنچه من دیده‌ام و خوانده‌ام زنان عموماً موافق حفظ ۱۱۰ سکه مردان مخالف آن هستند. پدر و مادرهایی که پسر دارند، بیشتر با ۱۴ سکه پدر و مادرهایی که دختر دارند، با ۱۱۰ سکه موافقتند. کسانی که هم دختر دارند و هم پسر، اگر هاشان پیچیده‌تر است، به‌طور کلی می‌شود گفت جامعه در این زمینه تقریباً دویزیمه شده است. وقتی جامعه نصف نصف است، قانون گذار باید «امر عمومی» و مصلحت خانواده و جده را در نظر بگیرد. از این جهت، مجلس ورود منطقی داشته، در صحن علنی گفت‌وگو شده‌ود در نهایت رأی گیری انجام گرفته است.

یکی از نمایندگان مجلس صحبت‌هایی مطرح کردند و گفتند پیشنهادی بنیابینی دارید؛ این پیشنهاد چیست و آیا واقعاً خیر همگانی را دربر می‌گیرد؟ آیا می‌شود مسیری را تصور کرد که هم منافع خانم‌ها و هم منافع آقایان در آن رعایت شود؟
نکته اول این است که تا این لحظه، آقای نجابت این پیشنهاد را ثبت نکرده‌اند؛ ممکن است بعداً ثبت کنند؛ چرا که وقتی طرح دوباره به کمیسیون بر می‌گردد و باید یک مجدداً در سامانه قرار می‌گیرد، نمایندگان دو باره فرصت ثبت پیشنهاد دارند؛ اما باید خود ایشان صحبت کرده‌و محتوای نظر آقای نجابت جالب‌بود. ایشان می‌گفتند عواس چیست؟ اشکال کار کجاست؟ اشکال این است که در جامعه، هم مواردی داریم که بعضی از دختران به پسران ظلم می‌کنند و هم مواردی که بعضی از مردان به زنان ظلم می‌کنند. در این حالت، دختر و پسر تازه ازدواج می‌کنند، با کوچک‌ترین اختلاف (گاهی حتی بدون اختلاف جدی) مهریه ۱۱۰ سکه‌ای به اجرا گذاشته می‌شود. زندگی عملاً از هم می‌پاشد؛ دختر می‌رود، پسر هم مجبور می‌شود یا یک‌جا مقدار زیادی سکه بدهد یا سال‌ها کار کند و قسط بدهد. این حالت وجود دارد و نمی‌شود انکارش کرد. در حالت مقابل، بعضی مردان هم ظلم می‌کنند. می‌گویم مهریه ۱۴ سکه کافی است. چند سال باز زندگی می‌کنند؛ ۵ سال، ۱۰ سال، ۲۰ سال، بعد که او به‌سنی می‌رسد که فرصت ازدواج مجددش کم شده، ۱۴ سکه را پرداخت می‌کند و طلاقتش می‌دهد و زن عملاً بی‌پناه می‌شود. اینجا نکته می‌شود مهریه باید ۱۱۰ سکه باشد تا نقش بازدارنده داشته باشد و زن، به‌خصوص در سنین بالاتر، بی‌پشتوانه نماند.

بر دو دلیل، دلیل‌های درستی هستند. مثلاً در سال ۱۴ سکه درست می‌گویند، طرفداران ۱۱۰ سکه هم درست می‌گویند، چون ۱۱۰ سکه برای جلوگیری از کنوع ظلم زیاد و ۱۴ سکه برای جلوگیری از نوع دیگری از ظلم کم است. هر دو گروه از «ظلم» حرف می‌زنند، فقط مصداق ظلم متفاوت است. اینجا بحث که آقای نجابت می‌گویند باید یک «راه میانه» پیدا کنیم. عدد ۱۱۰ سکه به‌عنوان سقف مهریه باقی‌بماند، یعنی همان عددی که قابلیت ثبت دارد و ضمانت اجرای حبس یا بایند (طبق قانون محکومیت‌های مالی) در باره‌اش مطرح است؛ اما نحوه مطالبه آن «پلکانی» شود. به این معنا که اگر مرد معتاد باشد، اگر دست بزن داشته باشد، اگر به زن آسیب جسمی یا روانی زده باشد، در همه این موارد، زن همچنان باید ۱۱۰ سکه مطالبه کند. همچنین اگر مرد در هر زمانی (چه یک روز بعد از ازدواج، چه ۶۰ سال بعد) بخواهد زن را طلاق بدهد، باید یک ۱۱۰ سکه را پرداخت کند. اما طرف دیگر ماجرا این است که اگر زن بلافاصله بعد از ازدواج بخواهد مهریه‌اش را مطالبه کند، این مطالبه پلکانی نباشد؛ مثلاً سال اول ازدواج ۱۴ سکه، سال دوم ۱۸ سکه، سال سوم ۲۲ سکه، سال چهارم ۲۶ سکه، و به همین ترتیب، هر سال چند سکه اضافه شود تا مثلاً بعد از ۲۰ یا ۲۵ سال، عدد به ۱۱۰ سکه برسد. با این مدل، چه اتفاقی می‌افتد؟ زنی که در سال اول ازدواج می‌خواهد ۱۱۰ سکه بگیرد و برود، دیگر



آگهی اطلاعات مربوط به واگذاری دارایی‌ها

سازمان خصوصی سازی در راستای اجرای ماده ۲۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی، اطلاعات مربوط به واگذاری دارایی‌ها را به شرح زیر اعلام می‌نماید:

ردیف	نام دارایی	نام و نشانی خریداران	کارشناسانی که قیمت گذاری بنگاه را انجام داده‌اند	ارزش پایه دارایی عرضه‌شده (ریال)	ارزش برنده مزایده / ارزش دارایی واگذارشده (ریال)	ثمن معامله با احتساب سود فروشنده اقساطی (ریال)
۱	زمین محصور کوهدشت به پلاک ثبتی ۶۲۵۶ فرعی از ۵۶ اصلی واقع در استان لرستان	خانم سعیده حاتم زاده به نشانی: تهران – خیابان فاطمی – خیابان هشت‌بهشت – کوچه عالمی – پلاک ۶- واحد ۵ کدپستی ۱۴۱۳۱۸۴۹۰	کامران غلامی – سیاش ابرامی – سیدکرامت فرهادی – داریوش باذگیریان	۳۵۳/۴۳۱/۶۴۰/۰۰۰	۳۵۳/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۸۴/۶۵۰/۷۶۱/۲۲۹
۲	تعداد ۴ واحد آپارتمان (خانه‌سازمانی) – به‌صورت یک‌جا به پلاک‌های ثبتی ۷۰۴۰۶، ۷۰۴۰۷، ۷۰۴۰۸، ۷۰۴۰۹ و ۴۴۰۵۷۵ فرعی از ۲۳۹۵ اصلی واقع در استان تهران– ستارخان	آقای جواشیر موسی‌نسب به نشانی: شهرری، جوانمرد قصاب، ۱۲ متری طالقانی، پلاک ۸۶، طبقه چهارم، کدپستی ۱۸۴۵۱۵۶۷۹۵	مسعود وکیل – حمیدرضا مومنی عراقی – امیرسعید میرزائی	۲۸۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۰۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۱۹/۴۷۰/۷۵۰/۰۰۰

سایت اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی: www.ipo.ir

شماره شناسه ۲۰۷۹۳۵۹ – شماره م.الف ۳۵۸۰

نمی‌تواند این کار را بکند؛ اما زنی که ۲۰ یا ۲۵ سال زندگی کرده‌و حالا مرد می‌خواهد او را طلاق بدهد، با ۱۴ سکه‌ها نمی‌شود وحش محفوظ می‌ماند. به این ترتیب، جلوی ظلم به زن گرفته می‌شود، چون مرد نمی‌تواند بعد از سال‌ها زندگی، با مهریه ناچیز طلاق بدهد. جلوی ظلم به مرد هم گرفته می‌شود، چون زن نمی‌تواند بلافاصله بعد از ازدواج، مهریه سنگین را ابزار فرو پاشی خانواده کند. نتیجه این می‌شود که هم هوای زن دیده می‌شود و هم هوای مرد؛ و هر دوی‌ز چتر خانواده باقی می‌مانند.

بعد از مطرح شدن طرح مهریه به بحث که خانم‌ها به دلیل نداشتن ضمانت مالی به سمت گرفتن حق طلاق بروند پیش آمد، این طرح جلوی این تفکر را می‌گیرد؟
برخی از مخالفان ۱۴ سکه می‌گویند مخالفت ما از این جهت است که وقتی عدد مهریه به ۱۴ سکه کاهش پیدا کند، جامعه به این سمت می‌رود که «۱۴ سکه که چیزی نیست». در نتیجه، زن احساس امنیت نمی‌کند و می‌گوید: «با این مهریه، تضمینی ندارم که در این زندگی حقی داشته باشم؛ پس باید حق طلاق هم داشته باشم.» به این ترتیب، می‌گویند کاهش مهریه به ۱۴ سکه، عملاً ازدواج‌ها را به سمت مطالبه حق طلاق برای زنان سوق می‌دهد و عرف ازدواج تغییر می‌کند. برخی معتقدند این روند باعث عرفی شدن بیش از حد ازدواج می‌شود و سنتی بودن آن باید تا حدی حفظ شود. در مقابل، عده‌ای می‌گویند اساساً این استدلال درست نیست؛ چون در دنیای مدرن، نه مهریه‌های ۱۴ تایی و ۱۱ تایی معنای کلاسیک دارند و نه نظام‌های حقوقی مدرن بر این اعداد استوارند.

اثبات تمکن مالی زوج بر عهده چه کسی است و به چه صورت بررسی می‌شود؟
قانون محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۹۱ این‌گونه اجرا می‌شد که اگر مرد مهریه را نمی‌داد، کاری نداشتند که دارا هست یا نیست؛ او را به زندان می‌فرستادند تا ثابت شود که ندارد. این رویه از نظر فقهی و شرعی محل اشکال بود؛ چون هیچ قرآن صراحتاً می‌گوید اگر بدهکار معسر است، باید به او مهلت داد. یعنی تا زمانی که نتوانمند نشده، نباید او را تحت فشار قرار داد.

ما همین مبنا، قانون در سال ۱۳۹۱ اصلاح شد و گفت فقط کسی به زندان می‌رود که تمکن مالی او ثابت شده باشد و با وجود تمکن، از پرداخت خودداری کند. اما در عمل، رویه قضایی همچنان تا حد زیادی تحت تأثیر رویه قبل از ۱۳۷۷ باقی ماند و آن دقت لازم را در اجرای نص قانون ۱۳۹۱ نداشت. اگر دقیقاً معکاب ماده قانونی عمل می‌شد، شاید امروز حتی ۷ هزار زندانی مهریه هم نداشتیم. البته تفسیر قانون بر عهده قاضی است و قانون اساسی هم «علم قاضی» را معتبر دانسته است. اما قانون سال ۱۳۹۱ می‌گوید اگر ثابت شود که فرد مالی دارد و پرداخت نمی‌کند، به زندان می‌رود؛ اما اگر ثابت نشود که دارد، با اصلاً پولی رد و بدل نشده باشد (مثل مهریه، دیه یا خسارت ناشی از ضمان قهری) اصل بر این است که فرد توان پرداخت ندارد و باید خلاف آن اثبات شود. در مقابل، در مواردی که پول رد و بدل شده، مثل خرید و فروش، اصل بر این است که پول هنوز نزد در یافت‌کننده موجود است و او باید ثابت کند که آن پول تلف شده است.

در مهریه، بار اثبات از دوش مرد برداشته شده و زن و قاضی در یک سمت قرار می‌گیرند تا احراز کنند که مرد توان مالی دارد. این به آن معنا نیست که فقط زن باید ثابت کند؛ بلکه قاضی هم مکلف است بررسی کند. مثلاً حساب‌های بانکی بررسی می‌شود، نقل و انتقالات مالی رصد می‌شود، املاک، خودرو و حتی صندوق امانات بانکی با حکم دادگاه قابل بررسی است.

اگر مشخص شود که فرد در ماه‌های اخیر مثلاً ۱۰ یا ۲۰ میلیارد تومان جابجا کرده و نتواند توضیح قابل قبولی در باره محل مصرف آن بدهد، ادعای اعسارش پذیرفته نمی‌شود. در این مرحله، بار پاسخ‌گویی بر عهده خود بدهکار قرار می‌گیرد.

تفاوت اساسی قانون سال ۱۳۷۷ با قانون سال ۱۳۹۱ و مواد بعد از آن چیست؟
قانون سسال ۱۳۷۷ می‌گفت من اصلاً بررسی نمی‌کنم که توداری یا بانداری؛ همین که مهریه به اجرا گذاشته شد، باید به زندان بروی. این رویه خلاف شرع بود. چون شرع صراحت دارد که بدهکار زمانی باید زندانی شود که ثابت شود توان پرداخت دارد و عمداً پرداخت نمی‌کند. بنابراین زندان رفتن بدهکار بدون احراز تمکن مالی، خلاف مبانی شرعی بود.

قانون سال ۱۳۹۱ این را اصلاح کرد و گفت باید فرق بگذاریم بین جایی که معلوم است پول رد و بدل شده و جایی که اصلاً پولی رد و بدل نشده است؛ مثل مهریه، دیه، خسارت ناشی از تصادف و امثال آن. این تفکیک در قانون ایجاد شد. اما مشکل اینجا بحث که رویه قضایی سال‌های ۹۱ تا ۹۱۷ عملاً کش پیدا کرد و بعد از ۹۱ هم تا حد زیادی ادامه یافت. مثلاً الان اگر آقای قلی قسط مهریه‌اش را ندهد، می‌گویند «۱۰ میلیون که چیزی نیست، باید می‌دادی» و او را به زندان می‌فرستند؛ درحالی‌که واقعاً تمکن است نداشته باشد. از آن طرف هم نمی‌شود هر ماه تک‌تک افراد را بررسی کرد که آیا این ۱۰ میلیون را دارند یا ندارند. این وضعیت، اجرای قانون را با غریغ پیچیده کرده است. اینجا بحث که پیشنهاد پلکانی آقای نجابت می‌تواند اثر گذار باشد. مزیت اصلی این پیشنهاد این است که زن و مرد را در چتر خانواده نگه می‌دارد. زنی که با این مدل ازدواج می‌کند، از ابتدا با نیت ماندن وارد زندگی می‌شود، نه این‌که سال بعد بگوید «پولم را بده و من می‌روم». از آن طرف هم دو سوسه نمی‌شود که بعد از سال‌ها زندگی، با پرداخت مبلغ ناچیزی همه چیز را رها کند.

واقعیت این است که همین وضعیت فعلی قانون، هم موجب نگرانی شده و هم باعث افزایش دادخواست‌ها. مردم واقعاً می‌پرسند: «بالاخره چه شد؟ من الان باید چه کار کنم؟» درحالی‌که قانون گذار باید طوری قانون بنویسد که زن و مرد اصلاً به مهریه فکر نکنند و با خیال راحت زندگی‌شان را بکنند. وقتی قانون این قدر محل مناقشه می‌شود، موجبات بی‌اعتمادی به قانون را فراهم می‌کند؛ هم برای مرد، هم برای زن؛ هم برای طرفداران ۱۱۰ سکه و هم برای طرفداران ۱۴ سکه. به نظر من، پیشنهاد پلکانی ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به یک راه‌حل عمومی دارد.



سازمان خصوصی سازی
SPECIAL ECONOMIC ORGANIZATION OF IRAN

ردیف	نام دارایی	نام و نشانی خریداران	کارشناسانی که قیمت گذاری بنگاه را انجام داده‌اند	ارزش پایه دارایی عرضه‌شده (ریال)	ارزش برنده مزایده / ارزش دارایی واگذارشده (ریال)	ثمن معامله با احتساب سود فروشنده اقساطی (ریال)
۱	زمین محصور کوهدشت به پلاک ثبتی ۶۲۵۶ فرعی از ۵۶ اصلی واقع در استان لرستان	خانم سعیده حاتم زاده به نشانی: تهران – خیابان فاطمی – خیابان هشت‌بهشت – کوچه عالمی – پلاک ۶- واحد ۵ کدپستی ۱۴۱۳۱۸۴۹۰	کامران غلامی – سیاش ابرامی – سیدکرامت فرهادی – داریوش باذگیریان	۳۵۳/۴۳۱/۶۴۰/۰۰۰	۳۵۳/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۸۴/۶۵۰/۷۶۱/۲۲۹
۲	تعداد ۴ واحد آپارتمان (خانه‌سازمانی) – به‌صورت یک‌جا به پلاک‌های ثبتی ۷۰۴۰۶، ۷۰۴۰۷، ۷۰۴۰۸، ۷۰۴۰۹ و ۴۴۰۵۷۵ فرعی از ۲۳۹۵ اصلی واقع در استان تهران– ستارخان	آقای جواشیر موسی‌نسب به نشانی: شهرری، جوانمرد قصاب، ۱۲ متری طالقانی، پلاک ۸۶، طبقه چهارم، کدپستی ۱۸۴۵۱۵۶۷۹۵	مسعود وکیل – حمیدرضا مومنی عراقی – امیرسعید میرزائی	۲۸۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۰۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۱۹/۴۷۰/۷۵۰/۰۰۰

شماره شناسه ۲۰۷۹۳۵۹ – شماره م.الف ۳۵۸۰

مدرک فارغ التحصیلی هاجر بهبهانی نژاد فرزند کاظم به شماره شناسنامه ۳۲۷۵ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی پرستاری صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۲۴۷۵۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۶ مورخ ۱۳۹۱/۲/۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی موقت ناهید محمدی فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۹۱۷ صادره از شوشستر در مقطع کاردانی رشته تحصیلی کودک‌پاری- مریی بهداشت مدارس صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۳۱۷۱ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی پریسا ناصری کریم‌وند فرزند منوچهر به شماره شناسنامه ۴۰۰۱ صادره از مسجدسلیمان در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مهندسی کشاورزی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۳۰۴ مورخ ۱۶۸۷/۱۰/۲۲ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

کانون تبلیغاتی
سیهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹